



# رادیو و انقلاب اطلاعات

گفتاری از محمد حسین صوفی

معاون سازمان صدا و سیما در حوزه صدا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شهرداری الکترونیک حاصل همکاری و تعامل مدیریت شهری و فناوری اطلاعات است.

اینگونه به نظر می‌رسد که در آینده اگر افراد نتوانند شهروندی الکترونیک باشند، اساساً شهروند محسوب نشوند. به عبارت دیگر تمامی افرادی که می‌خواهند در عصر حاکمیت اطلاعات، زندگی فعال و موفق داشته باشند، نیازمند فراگیری مهارت‌های لازم در این زمینه هستند.

مانوئل کاستیلز یکی از صاحب‌نظران حوزه ارتباطات معتقد است فن‌آوری‌های نوین منجر به تحول اجتماعی جوامع و شهرها شده و شهرهای الکترونیک را جایگزین

یکی از مهمترین شاخه‌های فناوری که اثرات عمیقی بر زندگی امروز انسان‌ها بر جای گذاشته، فناوری اطلاعات (IT) است. برخی از صاحب‌نظران قرن بیست‌ویکم را قرن انقلاب اطلاعات نامیده‌اند. به این خاطر که در این قرن شاهد استفاده وسیع و گسترده از فناوری اطلاعات همراه با مدیریت آن هستیم. مدیریت شهری نیز مانند سایر شاخه‌های علم مدیریت نیازمند بهره‌گیری مؤثر از فناوری اطلاعات برای دستیابی به اهدافش است.

مفاهیمی مانند دولت الکترونیک، شهر الکترونیک، شهروند الکترونیک،

در آینده اگر افراد  
نتوانند شهروندی  
الکترونیک باشند،  
اساساً شهروند  
محسوب نمی‌شوند.  
به عبارت دیگر  
تمامی افرادی که  
می‌خواهند در عصر  
حاکمیت اطلاعات،  
زندگی فعال و  
موفقی داشته باشند،  
نیازمند فراگیری  
مهارت‌های لازم در  
این زمینه هستند.

در طول تاریخ نیز فرهنگ نقش مهمی در تعیین سرنوشت کشورها ایفا کرده است. تاریخ پر افتخار ایران نشان می‌دهد که علیرغم هجوم اقوام بیگانه و حملات متعددی که به این آب و خاک صورت گرفته و علی‌رغم خسارت‌هایی که از این حملات بر کشور وارد شده هیچگاه فرهنگ اسلامی - ایرانی حاکمیت ارزشی خود را از دست نداده و امروزه نیز به عنوان عاملی نیرومند و تعیین کننده و وحدت‌بخش در جامعه حضور دارد.

دوران دفاع مقدس شاهد خوبی بر این مدعا است. مبانی دینی و ارزش‌های فرهنگی نقش تعیین کننده‌ای در حفظ روحیه و توان رزمی دلاور مردان ما در عرصه نبرد داشت و دشمنان این سرزمین نیز به خوبی می‌دانند که تا فرهنگ غنی اسلامی در این کشور حاکم است هر اقدامی برای تهاجم به این کشور با شکست روبه‌رو خواهد شد.

برتری و سرآمدی فرهنگ اسلامی - ایرانی، در دوران پس از حمله مغول و غارت تیمور گورکانی، نمونه‌ای درخشان از پیروزی فرهنگ بر شمشیر است. همین سرآمدی فرهنگ بر نظامی‌گری و کشتار سبب گردیده که امروزه در جغرافیای گسترده‌ای از بین‌النهرین تا مرزهای چین، شاهد رواج زبان فارسی و حضور مسلمانان در اقصی نقاط جهان باشیم.

امروزه استعمارگران می‌کوشند با حربه فرهنگ، جوامع را ذلیل و خوار کنند؛ همان چیزی که با عنوان استعمار فرهنگی - تهاجم فرهنگی - یا شبیخون فرهنگی معروف شده است.

در رابطه با هنر نیز می‌توان گفت از نظر تاریخی فرهنگ و مناسبات فرهنگی جوامع، پیوند وثیقی با هنرها و شقوق گوناگون آن داشته است. هنر همیشه زبان فرهنگ و حامل معانی آن بوده است. ادبیات مثال برجسته‌ای برای تبیین رابطه فرهنگ و هنر است. اینکه فردوسی ماندگار شد و به عنوان یک نشانه و شاخص در جامعه ما باقی ماند چیزی جز تأثیر فرهنگ بر جامعه نیست.

در جهت همراهی مردم با ارزش‌های حاکم بر جامعه در شرایط جدید است. فرهنگ، هم در عرصه رفتارهای فردی و هم در سطح کلان جامعه حضور دارد و ما در تمامی لحظات زندگی روزمره خویش آنرا احساس می‌کنیم. با توجه به این مسئله است که امروزه تمامی طرح‌ها و برنامه‌هایی که در زمینه تحول ساختار اداری یا تغییر ساختار فیزیکی شهرها تصویب می‌شود نگاهی عمیق به مسائل فرهنگی دارد به تعبیری پیوست فرهنگی دارد زیرا بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی کارآیی چنین طرح‌هایی بسیار محدود خواهد بود.

شهرهای سنتی کرده است. در شهرهای الکترونیک افراد زندگی مدرن‌تری را تجربه می‌کنند، و توانایی بیشتری در ارتقاء کیفی زندگی خود بدست می‌آورند. صرفه‌جویی در زمان و انرژی و کاهش هزینه‌های تردد شهری و بین‌شهری از مزایای بزرگ شهرهای الکترونیک است. آموزش شهروندان و آشنا ساختن آنان با مهارت‌های زندگی در شهرهای الکترونیک باعث می‌شود تا آنان امکان بیشتری برای استفاده از خدمات دولت و نهادهای مدنی پیدا کنند یکی از مسائل و موضوعات مهم در شهرهای الکترونیک توجه به فرهنگ‌سازی عمومی

## امروزه قابلیت‌های تکنولوژیکی در خدمت هنر قرار گرفته و با ترفندهای مختلف هنری سعی بر این است تا فضای فرهنگی جوامع تحت تأثیر قرار گیرد سرمایه‌گذاری عظیم اقتصادی در بخش هنری و رسانه‌ای شاهد خوبی بر این ادعاست

شاهنامه فردوسی یک اثر هنری برجسته است که از سویی به صاحبش تشخص و جاودانگی بخشیده و از سوی دیگر، به‌عنوان جزئی لاینفک از هویت فرهنگی ما درآمد و در حیات اجتماعی ما استمرار یافته است. به نظر می‌رسد علاوه بر تفکر اسلامی یکی از دلایل استحکام فرهنگ ما ایرانیان داشتن چهره‌هایی چون فردوسی، حافظ، مولوی، جامی، عطار، باباطاهر و مفتون همدانی و زنجیره بلند شاعران فارسی‌گوی تا دوران معاصر چون بهار، سپهری، شهریار و داور همدانی است.

اینان که برشمردیم همه به عرصه هنر ملی ما تعلق داشتند، عرصه شعر و شاعری. همین معنا را در داستان و درام و رمان، در موسیقی، در خط و نقاشی و مینیاتور، در تندیس و مجسمه‌سازی، در کاشی‌کاری طاق‌ها و مقرنس مساجد، در آینه‌کاری

دیوارهای مساجد، امامزاده‌ها، در نقوش حک شده بر دیواره کوه‌ها و صخره‌ها، در طراحی بناهای شکوهمند معماری چون بازارها و تیمچه‌ها و کاروانسراها و نیز شهرها و خیابان‌ها و میدان‌ها، در طراحی پوشاک، در فرش‌بافی، در صنایع دستی و ساخت ابزارهای مختلف زندگی که همگی آکنده از زیبایی، ظرافت، شکوه و جاذبه وصف‌ناپذیر هستند، می‌توان یافت. همین جلوه‌های ماندگار است که کشور ما را میراث‌دار یکی از درخشان‌ترین فرهنگ‌ها و کهن‌ترین تمدن‌های تاریخ بشری نموده است.

در نگاه به فرهنگ و هنر باید در نظر داشت که این دو پدیده همچون خود انسان و جامعه انسانی، ماهیتی نو شونده و تحول‌پذیر دارند. فرهنگ بیش از هر چیز از رفتن و حرکت کردن و پیش رفتن نشاط و روشنی می‌گیرد و در سکون و سکوت به تباهی و نابودی می‌انجامد. خوشبختانه شتاب نوآوری‌های فناوری در سده‌های اخیر بیش از هر چیز در خدمت پیشرفت و رشد فرهنگ و هنرهای گوناگون بوده و زمینه‌ساز شکوفایی و طراوت گردیده است. در این میان نقش نهضت دیجیتالی نیز بسیار کلیدی و مهم است.

در پرتو امواج دیجیتالی شدن که سری در رایانه‌ها و سر دیگر در دنیای رسانه‌ها دارد، فاصله‌ها پیوسته کوتاه و کوتاه‌تر شده‌اند. محدودیت انتخاب موضوعات و محتوا برای خواندن، دیدن و شنیدن از میان رفته، و موانع ارتباطات فرهنگی میان افراد و جوامع (همچون تفاوت‌های زبانی) کمرنگ و کمرنگ‌تر شده است. با گسترش ارتباطات و شکسته شدن مرزها و فاصله‌های فرهنگی با مختصات و اقتضائات جدید به عنوان فرهنگ جهانی، محصولات فرهنگی و سبک جدید زندگی نیز مطرح شده است.

سرعت ارتباطات، حس و حال زیستن در دنیایی متحد و یکپارچه را دامن زده است و در چنین دنیایی، شهرهای ما هم رنگ و بوی دیگری یافته است؛ شهرهایی

که آکنده از دستاوردهای نوین فناوری و شیوه‌های نوین زندگی هستند.

نهضت ماشینی شدن (اتوماسیون) و دیجیتالی شدن، به صورتی توقف‌ناپذیر در کار فتح شهرها است. همه روزه خیابان‌ها را برای کارگزاری فیبر نوری و پایه‌گذاری شبکه‌های جدید حفاری می‌کنند و بر بام ساختمان‌ها آنتن‌های ارتباطی کوچک و بزرگ بالا می‌روند. مجموعه‌های صوتی و تصویری، رایانه‌ها، تلفن‌های همراه و حتی اجاق‌های گاز و یخچال‌ها با گرایش به سوی هوشمندی بیشتر پیوسته در حال تغییرند و با خود مسائل تازه، و قواعد جدیدی برای زندگی طلب می‌کنند. وسعت و شدت تغییرات ایجاد شده، مسئولیت زیادی برای هنرمندان دست‌اندرکاران امور فرهنگی، و رسانه‌ها و مدیریت شهری ایجاد می‌کند که لازم است به دقت درباره این مسئولیت‌ها و وظایف حساس بوده و به همه جوانب آن بیندیشند.

تجربه به ما نشان داده که حتی جایگزینی درشکه اسبی با تاکسی و باغ و ویلا با آپارتمان هم تغییر ساده‌ای نبوده است و ما هنوز با بسیاری مشکلات مربوط به این تغییرات روبرو هستیم. بالطبع تغییر فضای کار و زندگی در شهرهای جدید به واسطه دیجیتالی شدن، بسیار فراگیرتر و بالقوه مخاطره‌آمیزتر از همه تغییرات فن‌آوری پیشین خواهد بود و این وظیفه دست‌اندرکاران فرهنگ و هنرهاست که این بار به این تحول مهم، به عنوان یک مسئله بزرگ اجتماعی نگاه کنند. تحقق ایده شهرهای الکترونیک و دیجیتالی، همچون هر تحول فنی - اجتماعی دیگری نیاز به مدیریت دارد: مدیریت تغییرات اجتماعی. در این عرصه از هنر کار زیادی ساخته است. هنرمندان می‌توانند ابعاد و جوانب این تحول گسترده اجتماعی را به مخاطبان خویش شناسانده و راه تحقق آن را هموار سازند. در دنیای اینترنتی در حال گسترش، فرهنگ همچنان تعیین‌کننده‌تر از هر زمان دیگر، مسئله روز ما خواهد بود و



حداکثر بهره‌وری برخوردار شویم. در بحث از شهرهای الکترونیک، نگاه ما به عنوان یک مسلمان، نگاهی مثبت اما توأم با رعایت جوانب گوناگون است. اسلام دینی پویا است و فقه شیعه افتخار دارد که خود را با شرایط جدید و پیشرفت‌های علمی جوامع تطبیق می‌دهد. آنچه مهم است اینکه ما در شرایط جدید با کمک ابزارهای نوین و فن‌آوری اطلاعات در زمینه تأثیرگذاری فرهنگی توان بیشتری بدست آوریم.

معمولاً در مباحث جهانی‌سازی (Glo-balized) کشورهای غربی با توجه به توان بالای فناوری سعی در تحمیل ارزش‌های خود بر سایر کشورها دارند و در این میان از هنر به عنوان ابزاری نیرومند استفاده می‌کنند، نمونه این اقدامات را می‌توان در راه‌اندازی شبکه‌های گوناگون ماهواره‌ای فارسی زبان و سایت‌های اینترنتی متعدد

**محدودیت انتخاب موضوعات و محتوا برای جوانان، دیدن و شنیدن از میان رفته، و موانع ارتباطات فرهنگی میان افراد و جوامع (همچون تفاوت‌های زبانی) کمرنگ و کمرنگ‌تر شده است. با گسترش ارتباطات و شکسته شدن مرزها و فاصله‌های فرهنگی با مختصات و اقتضائات جدید به عنوان فرهنگ جهانی، محصولات فرهنگی و سبک جدید زندگی نیز مطرح شده است.**

لازم است همه دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ به این رسالت تاریخی آگاهی یافته و به شهرهای الکترونیکی آینده به‌عنوان ظرفیت‌های فرهنگی - اجتماعی جدیدی نگاه کنند.

در این زمینه توجه به ارزش‌های دینی و تحولات فرهنگی اهمیت زیادی پیدا می‌کند و لازم است حتی در بحث از تأثیر هنر در فرهنگ‌سازی عمومی به آن توجه خاصی داشته باشیم:

در قرآن کریم به پیامبر (ص) توصیه شده که اَدْعُ اِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِکْمَةِ و الموعظه الحسنه. در اینجا بر حکمت و بیان نیکو تأکید شده است. در بحث از حکمت، شناخت علمی و به قول امروزی‌تر «مهندسی فرهنگی» مدنظر است، بدین ترتیب لازم است نسبت به افرادی که مخاطب ما هستند شناخت دقیقی داشته باشیم تا با به‌کارگیری بهترین شیوه از



مشاهده نمود، اما کشورهای مستقل هم می‌توانند از این توانایی برخوردار باشند نمونه آنها جمهوری اسلامی ایران است که از توانایی بالقوه خود استفاده نموده است. امروزه به جرأت می‌توان گفت شبکه‌های تلویزیونی: **پرس تی وی، العالم و الکوثر** و شبکه‌های رادیویی: **صدای آشنا و ندای اسلام** در زمینه جذب مخاطب و تأثیرگذاری فرهنگی بر سایر ملل به موفقیت‌های بزرگی رسیده‌اند.

نکته دیگر توجه به «موعظه حسنه» است یعنی ما با درک شرایط کسانی که مخاطب ما هستیم، بر آنها اثرگذاری درستی داشته باشیم، یکی از راه‌های اثرگذاری درست توجه به جاذبه‌هایی است که می‌توانند به افکار عمومی جامعه جهت بدهد. یکی از مهمترین این جاذبه‌ها استفاده‌های هنری است.

امروزه قابلیت‌های تکنولوژیکی در خدمت هنر قرار گرفته و با ترندهای مختلف هنری سعی بر این است تا فضای فرهنگی جوامع تحت تأثیر قرار گیرد سرمایه‌گذاری عظیم اقتصادی در پخش هنری و رسانه‌های شاهد خوبی بر این ادعاست و این موضوع توجه هر چه بیشتر به اهمیت فرهنگ را آشکار می‌سازد. در این زمینه به چند نکته اشاره می‌کنم به تعبیری باید چند باور اساسی بر ذهنیت کسانی که به اصلاح فرهنگ عمومی اقدام می‌کنند، حاکم شود. این باورها عبارتند از:

۱- اصلاح فرهنگ عمومی امری پیچیده است، امور فرهنگی پدیده‌های منفک از یکدیگر نیستند، بلکه دارای تعامل اند بدون در نظر گرفتن پیچیدگی امور فرهنگی و تعامل آنها سخن گفتن از اصلاح فرهنگ عمومی ممکن نیست. بنابراین تعامل مدیران حوزه شهری مدیران فرهنگی و هنرمندان یک ضرورتی انکارناپذیر است این باعث می‌شود هم کار خوب بشود و هم خوب کار شود.

۲- اصلاح فرهنگ عمومی امری تدریجی است. انتظار نتایج زود هنگام در امور فرهنگی مانع بزرگی در این

راه خواهد بود. فرهنگ عمومی یک‌باره پدید نیامده که یک‌باره نیز رنگ ببازد. فرهنگ امری دیرپاست که تحول آن مداومت می‌خواهد و فقط کسانی در این راه توفیق می‌یابند که از حوصله فراوان برخوردار باشند. این امر نیازمند فراهم آوردن زمینه‌های لازم است.

۳- اصلاح فرهنگ عمومی یک تلاش همگانی است. فرهنگ جلوه شیوه زندگی مردم است پس آنان صاحبان اصلی آن هستند و باید دل نگران فرهنگ خود باشند. اگر احساس نیاز در جامعه پدید آید آنان برای رفع مشکل بسیج خواهند

### امام راحل (رضوان الله تعالی

علیه) بارها در سخنان

خود بر این نکته تأکید

می‌کردند که ما با سینما،

تئاتر، تلویزیون و تمامی

پیشرفت‌هایی که حاصل

تلاش انسان در عصر جدید

بوده مخالفتی نداریم،

آنچه مهم است اینکه این

عرصه‌های هنری در خدمت

جامعه باشند و به صورت

ابزاری برای ترویج فرهنگ

دینی و ملی در آیند.

شد و در آن زمان است که هر درمانگری که بتواند به کاهش درد آنان کمک کند، گرمی داشته می‌شود. بر این اساس است که می‌توان گفت مشارکت همگانی برای اصلاح فرهنگ ضرورت دارد. یکی از راه‌هایی که می‌تواند به چنین مشارکتی کمک کند تشکیل انجمن‌های مردم نهاد (NGO) و شوراهای محلی و فعال کردن نهادهای مدنی مثل شهرداری‌ها است و نقش جوانان و نوجوانان در این شوراها بسیار ثمربخش است.

۴- اصلاح فرهنگ عمومی امری هنری است، به بیان امام راحل (ره) تا تفکری با هنر آمیخته نشود ماندگار نخواهد

بود مقصود این است که در تأثیرگذاری فرهنگی توجه به قابلیت‌های هنری امری لازم و ضروری است و باید از آن به نحو مطلوب استفاده شود. در صورتی که در فرآیند انتقال فرهنگی عامل هنر وارد شود، آنگاه این عرصه از جذابیت لازم برخوردار شده و زمینه تحول در افکار عمومی جامعه ایجاد می‌گردد. تأکید خاص ما به لحاظ شکلی همه هنرها شامل تجسمی، نمایشی، سینما، انیمیشن و... به لحاظ محتوایی بر هنر اسلامی- ایرانی است، چرا که هم در آموزه‌های دینی توصیه‌های خاص و راهکارهای ویژه‌ای در زمینه هنر آمده و هم تاریخ و فرهنگ ایران با هنر رابطه‌ای عمیق و پیوندی گسترده دارد.

امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) بارها در سخنان خود بر این نکته تأکید می‌کردند که ما با سینما، تئاتر، تلویزیون و تمامی پیشرفت‌هایی که حاصل تلاش انسان در عصر جدید بوده مخالفتی نداریم، آنچه مهم است اینکه این عرصه‌های هنری در خدمت جامعه باشند و خود ابزاری برای ترویج فرهنگ دینی و ملی در آیند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در نشست‌هایی که با اصحاب رسانه، فیلم‌سازان و بازیگران سینما و تئاتر و نویسندگان داشته و دارند بر اهمیت و جایگاه هنر در فرهنگ عمومی جامعه تأکید دارند.

مطمئن هستیم در صورتی که از این قابلیت‌ها به خوبی بهره‌برداری شود در شهرهای الکترونیک نیز مانند شهرهای سنتی شاهد حاکمیت ارزش‌های اسلامی و ملی خواهیم بود.

۵- نکته آخر اینکه هنرمندان باید ارزش‌ها، هنجارها، قواعد، اصول، ذائقه مخاطب را شناخته و با به خدمت گرفتن و بومی کردن فناوری به خلق آثار مفید و ارزشمند بپردازند.

**موفق باشید.**